جهانی فکر کنیم، محلی عمل کنیم

فرزاد اژدری کارگردان فیلم‌هایی مانند «عملیات مهد کودک»، «وروجک‌ها» و «سلام بر فرشتگان» که در ژانر کودک ونوجوان تولید شده‌اند ساخت فیلم کودک را نوعی سرمایه‌گذاری برای مدتهای متمادی دانسته و می‌گوید: فیلمی که مثلا امروز برای گروه سنی ۳- ۵ سال ساخته می‌شود قابلیت این را دارد که در دورهای گوناگون برای همین گروه سنی نمایش داده شود. چرا که با هر تولد این دوره قابل بازگشت بوده و به نوعی حرکتی دایره وار به وجود می‌آید و هر نسل قابلیت آن را دارد که بیننده فیلم‌های نسل قبل از خود باشد. وی مهمترین ویژگی یک فیلمساز کودک و نوجوان را صداقت در ارتباط با مخاطبش دانسته و توضیح می‌دهد که:منظور این است که یک فیلمساز نمی‌تواند بگوید می‌خواهم فیلمی برای کودکان و نوجوانان بسازم ولی به مسائل اجتماعی هم در آن اشاره کنم مقداری طنز هم چاشنی کارمی کنم و یک مقدار ترس و وحشت را هم به آن اضافه می‌کنم و چون درام دوست دارم یک مقدار هم اشک مخاطب را در می‌آورم به گزارش برنا، اژدری ادامه می‌دهد: باید فکر یک فیلمساز جهانی باشد اما محلی عمل کند. شخصی که بتواندحرف مردم جهان را به تصویر درآورد در تاریخ سینما ماندگار می‌شود. اگر فیلمی بسازیم که از انسان دوستی، پرهیز از جنگ و سلامت محیط زیست حرف بزند می‌توان گفت به ادبیاتی یکسان در سراسر جهان رسیده‌ایم و کاری ماندگار از خود به جای گذاشته ایم.

جایزه برای «جبرئیل»

فیلم کوتاه «جبرئیل» ساخته یوسف کارگر که به عنوان تنها نماینده فیلم کوتاه ایران در بخش مسابقه بیست و نهمین دوره جشنواره «برکلی» امریکا حضور داشت، موفق به کسب جایزه بهترین فیلم کوتاه خارجی و جایزه بهترین فیلمبرداری شد. به گزارش صبا، «جبرئیل» پیش از این در جشنواره‌هایی چون «کورک» ایرلند، «فلیکرز» امریکا و ... پذیرفته شده و جایزه بهترین فیلم جشنواره «پارما» ایتالیا را کسب کرده بود.

نقدی بر رفتار مسئولان با نگاهی به زندگی عاشیق محمدعلی محمودی

به کجا چنین شتابان؟

آفتاب یزد - یوسف خاکیان: «اگر یکبار دیگر در این کشور به دنیا بیایم دیگر به سراغ هنر و موسیقی نخواهم رفت. قسم می‌خورم که پس از ده سال در عید قربان امسال گوشت خورده‌ام. سال‌هاست لباس‌های کهنه می‌پوشم. دقیقا به مدت سه سال دندان در دهان نداشتم زیرا نمی‌توانستم برای درمان مبلغی هزینه کنم. من هنرمندی بین‌المللی بودم و به دلیل علاقه و عشق به مملکتم مهاجرت نکردم وگرنه می‌توانستم از ایران بروم و بارها از من خواستند که بروم. باید قبول کنیم هنرمندان نیز مانند دیگر اقشار جامعه حق و حقوقی دارند و باید مانند باقی مردم بخورند و بنوشند و مخارج زندگی‌شان را تامین کنند. ما را بیمه نکرده‌اند و برای درمان بیماری باید از جیبمان هزینه کنیم. همسرم ناخوش است و بیماری دیابت دارد و بابت این اتفاق چشم‌هایش آسیب دیده است. پیش از آنکه بیماری کرونا به کشور بیاید ایشان را عمل کردیم و حال یکی از چشمانش را از دست داده است. از طرفی با آب جوش نیمی از بدنش سوخته و سه ماه است درگیر این اتفاق هستیم. از آنجا که همسرم بیماری قند دارد زخم‌هایش التیام پیدا نکرده است. مطمئنا اگر ایشان دفترچه بیمه داشت و من حقوقی داشتم نمی‌گذاشتم درد بیماری را تحمل کند و عذاب بکشد. بارها برای آمارگیری و سرشماری به سراغ ما آمده‌اند و زمانی که گفته‌ام هنرمندم و عاشیق هستم و ساز می‌زنم و شعر می‌خوانم و آواز می‌خوانم، در پاسخ گفته‌اند هنر که شغل محسوب نمی‌شود. من نیز گفتم بنویس بیکار. گفتند بنویس شغل آزاد. چرا باید شغلم را آزاد اعلام کنم؟! باور کنید هنرمندی را می‌شناسم که مردم از صدایش بسیار لذت می‌بردند و هنوز نیز همینطور است. آن فرد آنقدر تحت فشار بود و نخورد و ننوشید و ضعیف و ضعیف‌تر شد تا از دنیا رفت.»

آنچه خواندید بخشی از اظهارات عاشیق محمدعلی محمودی که در شهرستان نقده از توابع استان آذربایجان غربی زندگی می‌کند، است که در گفتگویی که چندی پیش با یکی از خبرگزاری‌ها داشت، بیان کرده بود. سخنانی که بنا داریم با توجه به آنها به بررسی زندگی هنرمندانی که در شهرستانها زندگی می‌کنند و گرفتار سختی‌های بیشماری هستند، بپردازیم. در کنار این مسئله نیم نگاهی هم به مسئولان و دست اندرکارانی خواهیم داشت که به واسطه مسئولیتی که پذیرفته‌اند باید قسمت اعظمی از دغدغه‌های ذهنی شان را به حل کردن گرفتاری‌های هنرمندان شاغل در عرصه‌های مختلف هنری در مناطق دورافتاده اختصاص دهند، اما متاسفانه حتی قسمت ناچیزی از دغدغه هایشان نیز مربوط به این مسائل نیست.

■ پیش گفتار

اگر خاطرتان باشد چند ماه پیش گزارشی درباره شرایط زندگی و اوضاع و احوال شغلی یکی از هنرمندان موسیقی منتشر کردیم که بسیار غم‌انگیز بود. در آن گزارش بیان کردیم که چرا باید همه امکانات به افرادی که در پایتخت زندگی می‌کنند، اختصاص یابد و آنها که دور از تهران، در شهرستان‌ها و حتی روستاهای دور زندگی می‌کنند این همه با شرایط سخت مواجه باشند؟ امروز پس از مدتی سخنان یک هنرمند موسیقی نواحی که خودش از اهالی عاشیق هاست و به قول معروف دو قبضه هنرمند محسوب می‌شود، نظر مان را جلب کرد تا بخشی از آن را به عنوان سوژه گزارش امروز اختصاص دهیم. سخنانی که نسبت به آنچه در گزارش پیشین از زبان آن هنرمند موسیقی نواحی بیان شده بود بسیار تراژیک‌تر و سوزناک‌تر است. اجازه دهید از همین ابتدای کار موضع خودمان را با گزارشهای این چنین روشن کنیم واعلام نماییم وقتی چنین گزارش‌هایی که به واسطه اظهاراتی که برخی از اهالی موسیقی نواحی بیان شده به کرات به رشته تحریر در می‌آید، یعنی دیگر باید گفت انتظاری بیشتر نمی‌شود از چنین وضعیتی که سالهاست گریبان زندگی مردم را گرفته داشت. وقتی که هر چقدر هم داد بزنیم، بنویسیم، نشان دهیم و عنوان نماییم هیچ تغییری نمی‌کند و همچنان همانگونه که تاکنون بوده باقی خواهد ماند. به سخنان عاشیق محمدعلی محمودی خوب توجه کنید. مسئول و غیر مسئول هم ندارد، هرچند که مسئولان باید بیشتر و عمیق‌تر توجه کنند، اما این گزارش از همه مردم می‌خواهد که به سخنان این هنرمند موسیقی نواحی توجه کند. او می‌گوید قسم می‌خورم که پس از ده سال گوشت خورده ام، آنهم گوشت قربانی، این یعنی اگر عید قربان در راه نبود او و خانواده‌اش آن گوشت را هم نمی‌توانستند بخورند، ده سال! این یک فاجعه است، به نظر شما نیست؟ اصلا کاری با این موضوع نداریم که او یک هنرمند است، چرا که پیش از آنکه یک هنرمند باشد یک انسان است، بنابراین می‌توان اینگونه تعبیر کرد که یک انسان ده سال گوشت نخورده است و خیلی راحت می‌توان دریافت که وقتی یک انسان ده سال گوشت نخورده یعنی ده سال بسیاری از چیزهای دیگر را نیز نخورده است. مثلاً برنج یا موز یا هندوانه و یا حتی شیرینی. بیایید قبول کنیم که ده سال خودش یک عمر طولانی است. آنقدر طولانی که به عنوان یک دهه از عمر برخی از افراد از آن نام برده می‌شود. راز زندگی عاشیق محمودی اما تنها گوشت نخوردن به مدت ده سال نیست. جمله‌های بعدی که این هنرمند عرصه موسیقی در ادامه سخنانش بیان می‌کند اشاره به رازهای متعدد دیگری دارد که او در طول زندگی‌اش آنها را با همه وجود لمس کرده، از لباس‌های کهنه و نداشتن دندان تا تن رنجور و خسته و سوخته همسرش که مدام زجر می‌کشد و زجر می‌کشد. در حالیکه عاشیق محمودی نمی‌تواند هیچ کاری انجام دهد چرا که پولی در جیبش ندارد. اما مگر می‌شود چنین اتفاقی رخ بدهد؟ مگر می‌شود یک هنرمند پولی در جیبش نداشته باشد؟ مگر می‌شود یک هنرمند نتواند از هنری که دارد پول در بیاورد؟ مگر ده‌ها هنرمند دیگر در این سرزمین زندگی نمی‌کنند که برای ایفای نقشی کوتاه مقابل دوربین کارگردانان سینمای ایران پول میلیاردی می‌گیرند؟ در چنین شرایطی چطور ممکن است هنرمندی در این سرزمین زندگی کند که نتواند به واسطه ی هنری که دارد کسب درآمد نمایید؟ پاسخ این سوال غم‌انگیزتر از هر مسئله دیگری است باید بپذیریم که بله می‌شود و امکان دارد که چنین اتفاقی در سرزمین ما رخ بدهد و شوربختانه‌تر اینکه اوضاع آنچنان وخیم شده که این موضوع از مرحله ممکن بودن به مرحله رخ دادن رسیده است. شاید برخی خیال کنند که عاشیق محمدعلی محمودی یک استثنا از میان میلیون‌ها انسانی است که در این سرزمین زندگی می‌کنند که از بد حادثه هنرمند هم هست، اما متاسفانه مجبوریم بگوییم عاشیق محمودی فقط یک استثنا نیست بلکه او نمونه‌ای از هزاران هنرمندی است که در اقصی نقاط این سرزمین زندگی می‌کنند و هر کدامشان به نحوی از انحا شرایط سخت و طاقت فرسای زندگی را هر روز تجربه می‌کنند و هیچ تغییری در روزگارشان ایجاد نمی‌شود. شرایطی که آنقدر غم انگیز و تراژیک است که می‌توان درباره آنها کتاب‌های بی‌شماری نوشت. کتاب‌هایی که اگر نوشته شوند خوانندگانی که آنها را می‌خوانند با درصد بالایی از اطمینان فکر می‌کنند که در حال مطالعه داستانی تخیلی که ساخته و پرداخته ذهن نویسنده یا نویسندگانی بوده، هستند. غافل از اینکه این ماجراها نه تنها تخیلی نیستند بلکه داستان واقعی زندگی برخی از افراد هستند که در روزگاری همانند امروز زیسته تند و این اتفاقات را تجربه کرده اند.

■ طرح چند پرسش

باز هم به سراغ سخنان عاشیق برویم و از دل آنچه که درباره سرشماری و آمارگیری در خصوص شغلش مطالبی را بیان می‌کند چند پرسش را بیرون بیاوریم. این هنرمند موسیقی می‌گوید «سرشمار به من گفت هنر که شغل محسوب نمی‌شود، می‌نویسیم آزاد.» حال به سوالات و پاسخ‌هایی که در ادامه می‌آید توجه کنید.

سوال: هنر شغل محسوب نمی‌شود؟ چرا؟

جواب: بله شغل محسوب نمی‌شود، چرا که اگر محسوب می‌شد حتما درآمد داشت (هر چند برای بعضی‌ها دارد، آن هم از نوع چرب و نرمش) حتما فعالانش از بیمه برخوردار بودند و حتماً از امنیت شغلی برخوردار بودند تا اگر روزی بیکار شدند خیالشان راحت باشد که می‌توانند از بیمه بیکاری استفاده نمایند. حال که این امکانات وجود ندارد مسلم است که هنر شغل محسوب نمی‌شود. اما اینکه چرا هنر شغل محسوب نمی‌شود به حوزه کاری ما مربوط نمی‌شود.

سوال: بسیار خب فرض می‌کنیم که هنر شغل محسوب نمی‌شود، پس چیست؟ به سخن دیگر فعالان این حوزه وقتی مشغول فعالیت هستند در واقع مشغول چه چیزی هستند؟ چراکه فعالیتی که آنها انجام می‌دهند کار و شغل محسوب نمی‌شود پس چه محسوب می‌شود؟

جواب: پاسخ این سوال در دست بررسی است و به زودی اعلام می‌شود.

سوال: اگر در دست بررسی است، پس چرا می‌خواهید آن را جزو مشاغل آزاد به حساب آورید؟

جواب: بالاخره باید تا روشن شدن وضعیتش در یک جایی به حسابش بیاوریم؟ نباید بیاوریم؟

سوال: چطور فعالیتش باید به حساب بیاید در صورتیکه فعالانش به حساب نمی‌آیند؟

جواب: چه عرض کنم؟

سوال: ما هیچ ما نگاه.

جواب:.....

این سوال وجواب ماحصل گفتگوی کوتاهی میان یک خبرنگار فرضی با برخی از مسئولانی است که پشت برخی میزها نشستند و قرار است اوضاع را سر و سامان دهند. خودتان هم که دیدید آخرش به ما هیچ ما نگاه رسیدیم و این یعنی وضعیت همچنان همین گونه که هست ادامه خواهد داشت. این یعنی ما هیچ کاری از دستمان بر نمی‌آید و این یعنی اگر کاری از دستمان برآید هم انجام نمی‌دهیم و این یعنی آنچه برای ما اهمیت دارد حفظ میزی است که پشت آن نشسته‌ایم و نه هیچ چیز دیگری. حقوق‌های فوق میلیونی مان را می‌گیریم، همایش‌ها، کنفرانس‌ها و میزگردهایمان را برگزار می‌کنیم، با قیچی روبان مراسمهای افتتاحیه را می‌بریم، می‌خندیم، دست به سینه می‌ایستیم و عکس یادگاری میگیریم کاری هم با مسائل، مشکلات و بدبختی‌های هنرمندانی که شرایط سخت زندگی می‌کنند، نداریم و تمام اینها یعنی مردم دعا کنند گرانی از بین برود و همه چیز ارزان شود.

بسیار جالب، بسیار رمانتیک و بسیار زیباست. تقابل دو زندگی متفاوت که اولی به مدت ۱۰ سال حتی یک تکه گوشت نمی‌خورد لباس‌های کهنه می‌پوشد، دندان به دهان ندارد، بیمه ندارد، درآمد ندارد و هزاران چیز دیگر را نیز ندارد و دومی...

آنچه این گزارش را بسیار غم انگیز و حتی می‌توان بیان کرد آنقدر قدرت دارد که اشک بر چشم آدمی جاری کند بخش پایانی سخنان محمدعلی محمودی آنجا که می‌گوید «هنرمندی را می‌شناسم آنقدر در زندگی تحت فشار بود و آنقدر از این ده ساله‌هایی که من در زندگی‌ام تجربه کردم، در زندگی‌اش داشت که بابت این نداشتن‌ها و نخوردن‌ها و نوشیدن‌ها آنقدر ضعیف شد تا بالاخره از دنیا رفت» است این مسئله مصداق بارز آن چیزی است که درباره نمونه خروار بودن هنرمندانی که در شرایط سخت زندگی می‌کنند در این گزارش بیان کردیم. مسئله‌ای که جزء جزءاش حاوی بی‌شمار علامت سوالی است که در مقابل بی‌شمار پرسش قرار گرفته اند، اما هیچکسی نه مسئولیت پاسخشان را بر عهده می‌گیرد، نه توان پاسخگویی شان را دارد و بعضاً دانش و علم‌اش و شوربختانه آنچه در این میان اصلاً شنیده نمی‌شود صدای استخوان‌های هنرمندانی است که زیر بار فشار بی‌امان زندگی و تورم افسار گسیخته قیمت‌ها خرد و خمیر می‌شوند و کسی به آنها توجه نمی‌کند.

> **آنچه این گزارش را بسیار غم انگیز و حتی می‌توان بیان کرد آنقدر قدرت دارد که اشک بر چشم آدمی جاری کند بخش پایانی سخنان محمدعلی محمودی آنجا که می‌گوید «هنرمندی را می‌شناسم آنقدر در زندگی تحت فشار بود و آنقدر از این ده ساله‌هایی که من در زندگی‌ام تجربه کردم، در زندگی‌اش داشت که بابت این نداشتن‌ها و نخوردن‌ها و نوشیدن‌ها آنقدر ضعیف شد تا بالاخره از دنیا رفت»است این مسئله مصداق بارز آن چیزی است که درباره نمونه خروار بودن هنرمندانی که در شرایط سخت زندگی می‌کنند در این گزارش بیان کردیم. مسئله‌ای که جزء جزءاش حاوی بی‌شمار علامت سوالی است که در مقابل بی‌شمار پرسش قرار گرفته اند، اما هیچ کسی نه مسئولیت پاسخشان را بر عهده می‌گیرد، نه توان پاسخگویی شان را دارد و بعضاً دانش و علم‌اش و شوربختانه آنچه در این میان اصلاً شنیده نمی‌شود صدای استخوان‌های هنرمندانی است که زیر بار فشار بی‌امان زندگی و تورم افسار گسیخته قیمت‌ها خرد و خمیر می‌شوند و کسی به آنها توجه نمی‌کند**

آفتاب | کوتاه از هنر

موفقیت سینمای ایران در بوسان

داوران بخش مسابقه «جریان‌های نو» بیست و ششمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان به ریاست میرا نایر سینماگر هندی، صبح روز گذشته ۹ آبان در یک نشست مطبوعاتی در بوسان، فیلم ژاپنی «یک توازن» به کارگردانی هاروموتو یوجیرو و «سه» ساخته پاک روسلان تولید مشترک قزاقستان، کره جنوبی و ازبکستان را به‌عنوان برندگان جایزه اصلی این بخش معرفی کردند که بر فیلم‌های اول یا دوم فیلمسازان آسیایی متمرکز است.

از سوی دیگر، فیلم‌های «کشتارگاه» به کارگردانی عباس امینی و «مردن در آب مطهر» ساخته برادران محمودی از ایران به‌طور مشترک برنده جایزه کیم جی‌سئوک شدند. به گزارش هنرآنلاین، «هنر زندگی در خطر» به کارگردانی مینا کشاورز محصول مشترک ایران و آلمان نیز یکی از دو برنده جایزه Mecenat جشنواره فیلم بوسان ۲۰۲۱ است که ۲۱ تا ۳۰ اکتبر در دو قالب فیزیکی و آنلاین برگزار شد.

پول «شیلنگ» خرج تلفن می‌شود

فیلم کوتاه «شیلنگ» به کارگردانی منصور فروزش و با بازی سیروس همتی و کسری جورابلو و با مشارکت بیش از ۲۰ دانش‌آموز، محصول سال ۱۳۹۴ است که این روزها در سایت سینمامارکت آنلاین نمایش داده می‌شود. فیلم کوتاه شیلنگ با نمایش در بیش از ۴۰ جشنواره ی داخلی و خارجی یکی از فیلم‌های کوتاه موفق سینمای ایران بوده است. قرار است تمامی عواید فروش این فیلم کوتاه صرف خرید تلفن هوشمند برای یک یا چند دانش‌آموز بشود. به گزارش ایرنا، در خلاصه داستان این فیلم کوتاه آمده است: شیلنگ روایتگر داستان آقای نوبری، معلم دبستان است که از امروز تصمیم گرفته است، روش آموزشی جدیدی را در پیش بگیرد.

آفتاب | رویدادهای هنری

تمجید منتقد خارجی از «یلدا»

فیلم سینمایی «یلدا» سومین ساخته بلند مسعود بخشی که هم اکنون در سینماهای هنروتجربه ایران نیز روی پرده است، توانسته اکران‌های موفقی را در کشورهای اروپایی تجربه کند. سایت مستقل نقد هنری «مازه» با اختصاص صفحه اول خود به «یلدا»، در نقدی به قلم سوزانا لورنز درباره فیلم نوشت: «مسعود بخشی با حفظ قواعد درام بسته در زمان واقعی، میزانسنی عمیقا در خدمت پیشبرد قصه می‌سازد و دوگانگی میان فضای برنامه تلویزیونی و درام ناپیدا از چشم تماشاگر را کامل می‌کند. در این راستا، او ما را به قضاوتی برای تضمین اخلاق و پیش از آن برای اثبات انسانیت- آخرین سنگر در برابر تعصب- می‌خواند.» «یلدا» به تهیه‌کنندگی علی مصفا، منتخب هفتادمین جشنواره جهانی برلین، برنده جایزه بزرگ داوران جشنواره ساندنس آمریکا در سال ۲۰۲۰، برنده جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره صوفیه، برنده «جایزه بزرگ سینما» از مجله «ال»، برنده جایزه بهترین کارگردانی اسکار ترکیه و جایزه تقدیر ویژه جشنواره واشنگتن Special commendation award هم اکنون در سینماهای هنروتجربه در ایران در حال اکران است. به گزارش ایلنا، داستان این فیلم در مورد مریم کمیجانی، زن جوانی است که به دلیل قتل شوهرش به مرگ محکوم شده است. او در شب یلدا به استودیوی یک برنامه زنده تلویزیونی آورده شده است تا از طرف تنها فرزند مقتول یعنی مونا ضیا بخشیده شود اما مجموعه اتفاقات در صحنه و پشت صحنه این برنامه هر دو زن جوان را در چالشی جدی برای تصمیم‌گیری قرار می‌دهد.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای یونس دواتگری وکالتا باستناد وکالتنامه شماره ۵۴۹۰۲ مورخ ۱۳۹۹/۶/۶ و تفویض وکالتنامه شماره ۵۴۹۱۱ مورخ ۱۳۹۹/۶/۱۰ دفترخانه ۸۱۰ تهران از طرف قادر گروهی با تسلیم دو برگ استشهادیه تحت شماره ۴۳۰۴ و ۴۳۰۵ مورخ ۱۳۹۹/۶/۲۷ دفتر اسناد رسمی ۸۲۵ تهران طی وارده شماره ۱۱۴۷۰۱۷۸۷۵ مورخه ۱۳۹۹/۶/۲۹ مدعی فقدان سند مالکیت ۳/۵ دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین به شماره ۶۳۱ فرعی از ۱۸۶۳ اصلی قطعه ۲۲۲۵ نقشه تفکیکی واقع در بخش ۱۰ تهران ذیل ثبت الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۱۱۴۷۰۲۶۷۱۱ املاک به شماره چاپی ۳۷۴۴۴۵ ب ۹۸ بنام قادر گروهی ثبت و صادر و تسلیم گریده است و دارای یک فقره سند رهنی تحت شماره ۶۶۲۳۶ مورخ ۷۱/۱۰/۳۰ دفترخانه ۱۲۱ تهران در رهن شرکت نفت می باشد سپس وکیل مالک با اعلام فقدان و مفقودی سند مالکیت به علت اسباب کشی در خواست صدور المثنی سند مالکیت نموده اند لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد به اعتراض بدون ارایه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدورسند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

۱۵۲۰۴ رییس اداره ثبت اسناد واملاک زیبادشت - مهرآسا

آگهی موضوع هیات موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۱۲۲۳ مورخه ۹۹/۷/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن فقیهی فرزند موءمن به ش ش ۱ ص از ساری در چهاردانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶۷ متر مربع در قسمتی از پلاک ۱۹۱۵ فرعی از ۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۹۰ فرعی از اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران که به میزان تصرفی خود دارای سند مالکیت مشاعی بوده و تصرفات نامبرده در ملک مورد تقاضا محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۹/۸/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۹/۸/۲۵

۱۵۱۹۷رییس ثبت اسناد واملاک یافت آباد تهران - جشان

آگهی فقدان سند مالکیت المثنی پلاک ثبتی ۷۴۱ فرعی از ۴۲۲۷ اصلی واقع در بخش ۵ تهران

اصالتا خانم سارا خانزاده قره شیران با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضا شده ذیل شماره یکتا ۱۳۹۹۰۲۱۵۵۲۵۳۰۰۰۱۸۴ و شماره ترتیب ۸۸۸۳۵ مورخ ۹۹/۵/۲۹ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۶۷ تهران طی درخواست وارده ۱۳۶۵۰ مورخ ۹۹/۶/۲ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت ملک مذکور را نموده که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت به شرح زیرآگهی می گردد: ۱- نام و نام خانوادگی:سارا خانزاده قره شیران مالک شش دانگ ۲- شماره پلاک ثبتی: ۷۴۱ فرعی از ۴۲۲۷ اصلی واقع در بخش ۵ تهران ۳- علت گم شدن: اسباب کشی۴- خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت کاداستری شش دانگ یک قطعه زمین واقع در بخش ۵ تهران ذیل ثبت دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۰۱۰۴۲۰۰۹۵۲۲ به شماره چاپی ۱۱۰۴۸۰ بنام خانم سارا خانزاده قره شیران ثبت و صادر گردیدلذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارایه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد ردیف: نشانی ثبت محل: خیابان شیخ هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب بیگی پلاک ۲۶۶ اداره ثبت اسناد واملاک مولوی .

۱۵۲۰۲رییس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران - صهبا

آگهی موضوع هیات موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۱۲۲۴ مورخه ۹۹/۷/۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای یدالله مزرعی فرزند اکبر به ش ش ۲۵ ص از دامغان در دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶۷ متر مربع در قسمتی از پلاک ۱۹۱۵ فرعی از ۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۹۰ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۲ تهران که به میزان تصرفی خود دارای سند مالکیت مشاعی بوده و تصرفات نامبرده در ملک مورد تقاضا محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۹/۸/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۹/۸/۲۵

۱۵۱۹۸رییس ثبت اسناد واملاک یافت آباد تهران - جشان

کرونا هنرمند دیگری را به کام مرگ برد

کریم اکبری مبارکه درگذشت

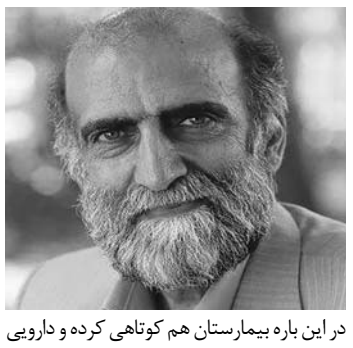

کریم اکبری مبارکه بازیگر باسابقه تئاتر، سینما و تلویزیون درگذشت. این بازیگر متولد سال ۱۳۳۲ در رشته بازیگری و کارگردانی تئاتر تحصیل کرده بود که پنجشنبه ۸ آبان ماه به دلیل ابتلا به کرونا از دنیا رفت. نوید اکبری مبارکه-فرزند این بازیگر - با تایید این خبر گفت: پدرم در روزهای اخیر مشغول بازی در سریالی بود که یکی از عوامل آن و بعد هم خانم لاله اسکندری مبتلا به کرونا شدند و با توجه به بیماری زمینه‌ای که پدر من داشتند، بیماری تمام ریه‌اش را درگیر کرد. او افزود: چند روز قبل عکس ریه از ایشان گرفته شد ولی داروها موثر نبودند و صبح چهارشنبه که پدر را در بیمارستان بستری کردیم در فاصله ۲۴ ساعت فوت کردند و همه ما در شوک هستیم. وی اضافه کرد: در این باره بیمارستان هم کوتاهی کرده و دارویی را که باید استفاده می‌کرده به پدرم تزریق نکردند چون می‌گویند نداشتند درحالی که اگر گفته بودند ما آن را تهیه می‌کردیم. به گزارش ایسنا، به گفته فرزند این بازیگر فقید، پیکر کریم اکبری مبارکه ساعت ۱۱ صبح امروز شنبه تشییع و در طبقه فوقانی مزار مرحوم عباس سعیدی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) به خاک سپرده خواهد شد. کریم اکبری مبارکه در فیلم‌های مرگ یزدگرد، مسافران، دیدار، چند می‌گیری گریه کنی؟، روزهای زندگی، قندون جهیزیه و عطر داغ بازی کرده است، از آخرین کارهایش در تلویزیون سریال «بچه مهندس» بود ولی معروف‌ترین اثرش در سیما نقش «ابن ملجم» در سریال امام علی علیه السلام است. همچنین بازی در نمایش‌های «پهلوان اکبر می‌میرد»، «کوچ»، «مرگ یزدگرد»، «از خاک تا افلاک»، «سیمرغ سیمرغ»، «بیا تا گل برافشانیم» و «باغ آلبالو» بخشی از کارهای او در تئاتر است.